

Providing a model for rewriting the stories of Rumi's Mathnavi for children

Fatemeh Aghanouri¹

Dr. Ehsan Reisi ²

Dr. Aliasghar Mirbagherifard ³

Dr. Mohamadhosein Heidari⁴

Abstract

Rewriting ancient texts is a very important issue and connects different generations culturally. Rewriting is a scientific-creative activity. To do a successful rewrite, on the one hand, requires scientific mastery of the old text (the source of the rewrite) and, on the other hand, the use of creative power to present a new work to the audience. Rewriting, like any other scientific activity, requires an efficient and effective model to provide the audience with a revised and effective text. The importance and sensitivity of this pattern is doubled when the target audience for the rewrite is children. This paper utilizes the topics and theories of educational sciences and literary sciences to design a step-by-step model for rewriting Mathnavi for children aged 7-12. Montessori's ideas are the basis of the educational sciences of this model. The findings of this study regarding the rewriting of Rumi's Mathnavi, which are presented according to the educational opinions and unique features of Mathnavi, include: Explaining and extracting the educational themes of Mathnavi stories from authoritative and scientific sources, understanding the context and situation of Mathnavi stories, using Mathnavi weight, deleting sub-stories, using a second person narrator in terms of perspective, completing the end of the story by the child himself. Finally, based on the presented model, one of the stories of Mathnavi has been rewritten. This research has facilitated and explained the implementation of rewriting principles for children in the form of a methodical model and using Montessori educational perspectives.

Keywords: Rewriting the story, Rumi's Mathnavi, Children literature, Model.

¹ .(Corresponding Author) M.A. Student in Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Aghanouri135@gmail.com.

² Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Ehsan.reisi@gmail.com

³ Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran. a.mirbagherifard@gmail.com

⁴ Associate Professor of Education, Faculty of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran Mhheidari1353@gmail.com

Date of receipt: 2020-12-25, Date of acceptance: 2021-08-02

This article is an excerpt from the dissertation and is supported by the Rumi Research Chair affiliated with the Iran National Science Foundation (INSF).

ارائه الگوی بازنویسی داستان‌های مثنوی مولوی برای کودکان

(مقاله پژوهشی)

فاطمه آقانوری*

دکتر احسان رئیسی**، دکتر علی اصغر میرباقری فرد***، دکتر محمدحسین حیدری****

چکیده

بازنویسی متون کهن موضوعی بسیار مهم و پیونددهنده نسل‌های مختلف از لحاظ فرهنگی است. بازنویسی فعالیت علمی-خلاقه است؛ برای انجام یک بازنویسی موفق، از سویی اشراف علمی به متن کهن (مبدأ بازنویسی) لازم است و از سوی دیگر، به‌کارگیری قوه خلاقه برای ارائه اثری نو به مخاطبان. بازنویس نیز به‌مانند هر فعالیت علمی دیگر به الگویی کارا و موثر نیاز دارد تا بتواند بر اساس آن الگو، متنی منقح و اثرگذار در اختیار مخاطبان قرار دهد. اهمیت و حساسیت وجود این الگو، زمانی دوچندان می‌شود که گروه مخاطبان بازنویسی، کودکان باشند. این مقاله با بهره‌گیری از مباحث و نظریات علوم تربیتی و علوم ادبی کوشیده است الگویی گام‌به‌گام برای بازنویسی مثنوی برای کودکان ۷-۱۲ سال طراحی کند. مبنای علوم تربیتی این الگو بر پایه آرای مونته‌سوری استوار شده است. برخی از یافته‌های این پژوهش

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

(نویسنده مسئول) Aghanouri135@gmail.com

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

Ehsan.reisi@gmail.com

*** استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

A.mirbagherifard@gmail.com

**** دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

Mhheidari1353@gmail.com

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه بوده و تحت حمایت کرسی مولوی پژوهی وابسته به صندوق حمایت از

پژوهشگران و فناوران (Iran National Science Foundation: INSF) است.

تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۱۰/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۱

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ارائه الگوی بازنویسی داستان‌های مثنوی مولوی برای کودکان، (نویسنده اول: آقانوری)

۳

در باب اصول بازنویسی مثنوی مولوی که با نظر به آرای تربیتی و ویژگی‌های منحصربه‌فرد مثنوی مطرح شده، عبارت است از: استخراج مقاصد اصلی و تعلیمی مولوی در سرایش مثنوی از منابع معتبر و علمی، فهم بافت و موقعیت داستان‌ها در کلام مولوی، به‌کارگیری وزن مثنوی، حذف داستان‌های فرعی، استفاده از راوی دوم شخص در زاویه دید و تکمیل شدن پایان داستان توسط خود کودک. در پایان، مبتنی بر الگوی ارائه‌شده، یکی از داستان‌های مثنوی بازنویسی شده است. این تحقیق در قالب الگویی روشمند و با استفاده از دیدگاه‌های تربیتی مونتسوری، پیاده‌سازی اصول بازنویسی برای کودکان را تسهیل و تبیین کرده است.

کلیدواژه‌ها: بازنویسی داستان، مثنوی مولوی، ادبیات کودک، الگو

۱. مقدمه و بیان مسأله پژوهش

مثنوی معنوی اثر مولانا جلال‌الدین محمد بلخی است. او این اثر را در قرن هفتم و به خواهش حسام‌الدین چلبی در شش دفتر سروده است. مولوی از صنعت تمثیل به صورتی بسیار ظریف بهره گرفته و در ظرف حکایات مختلف، مفاهیم و مقاصد اصلی خود را مطرح کرده است.

مثنوی حاوی مفاهیم انسان‌ساز و تمدن‌ساز است و موضوعاتی را در بردارد که به فطرت پاک بشری بر می‌گردد. در جهان امروزی که تکنولوژی و ماشین‌ها و صنعت برای فراهم کردن آسایش جسمانی متحد شده‌اند، آسایش روحی و روانی بیش از گذشته، گمشده و مطلوب بشریت است. در تلاش برای بازگشت به فطرت حقیقی در بعضی نقاط جهان، مثنوی جزء پر فروش‌ترین کتاب‌ها بوده و یا زمینه‌ساز شکل‌گیری تشکیلات و حلقه‌های عرفانی شده است. هرچند عرفان‌های کاذب مردود اند اما مثنوی از قرآن و احادیث نبوی مایه گرفته و به قول مولوی «هو اصول اصول الدین» که این موضوع، حکایت از ظرفیت‌های درنیافته مثنوی دارد. مثنوی معنوی با ظرفیت‌های فکری، فرهنگی و تمدنی‌ای که دارد، می‌تواند سلايق مختلف را به خود جذب کند.

۴ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ارائه الگوی بازنویسی داستان‌های مثنوی مولوی برای کودکان، (نویسنده اول: آقانوری)

علاوه بر این، کودکان به‌عنوان یکی از مخاطبین ادبیات شناخته می‌شوند که الگوهای شناختی آنها در حال شکل‌گیری است و یادگیری در آنها تأثیراتی عمیق و بلندمدت به همراه دارد؛ بر این مبنا بازنویسی آثار ادبی از جمله داستان‌های مثنوی مولانا برای کودکان اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. پس به این منظور ضروری است تا مبانی، اصول و روش‌های علمی در قالب ساختاری منضبط و منطقی ارائه شود. طراحی و تدوین الگوی بازنویسی مثنوی برای کودکان، صورت نظام‌مند و روشمندی است که در آن متناسب با ویژگی‌های ادبی و تربیتی راهکارهای عملیاتی و گام‌به‌گام برای اجرای قواعد بازنویسی ارائه می‌شود. در اهمیت این پژوهش می‌توان گفت «افزایش آگاهی از مسائل مختلف، برقراری ارتباط با متون گذشته و استفاده از تجربیات برای مواجهه با چالش‌های آینده برخی از وجوه اهمیت بازنویسی متون کهن برای کودکان است» (هاشمی‌نسب، ۱۳۷۷: ۳۷). با بازنویسی مثنوی، مفاهیمی غنی و ارزشمند در مهم‌ترین مراحل یادگیری به کودکان منتقل می‌شود و ارائه الگو در این باره کمک می‌کند تا با ارزیابی کارآمدی و نقاط ضعف و قوت تحقیق، نتایج علمی از نظر کیفی ارتقا یافته و نیز نظریات علمی در این باره شکل گیرد. دوری از کلی‌گویی و توجه به جزئیات باعث تناسب یافتن مضامین آثار بازنویسی‌شده با نیازها و ویژگی‌های کودکان می‌شود. به این ترتیب به دنبال افزایش استقبال مخاطبان از آثار بازنویسی‌شده، اثرگذاری این آثار افزایش می‌یابد.

شایان یادآوری است در این پژوهش برای تدوین الگو از مبانی نظری موجود در این باره استفاده شده است. برای طراحی الگو دو رکن اصلی در نظر گرفته شده است: علوم ادبی، علوم تربیتی. در مباحث ادبی، مهم‌ترین مقولات بلاغی و دستوری در کانون توجه بوده و موضوعات تربیتی بر پایه آرای ماریا مونته‌سوری برای گروه سنی ۷-۱۲ سال بنا شده است. این پژوهش در زمره مطالعات بین‌رشته‌ای بوده و پس از تبیین مبانی و اصول تربیتی، در ذیل آنها ارتباط این آراء با موضوعات ادبیات کودک، بازنویسی، مثنوی مولوی و بازنشر تبیین شده است. بعد از تدوین موضوعات ادبی و تربیتی بر پایه ماهیت مثنوی و با نظر به کاستی‌های

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ارائه‌الگوی بازنویسی
داستان‌های مثنوی مولوی برای کودکان، (نویسنده اول: آقائوری) ۵

موجود در تحقیقات یا بازنویسی‌های قبلی، الگویی برای بازنویسی مثنوی برای کودکان ۷-
۱۲ سال طراحی شده است.

تحقیقاتی که پیش از این درباره موضوع تحقیق نگاشته شده است در چند دسته جای
می‌گیرد:

الف) کلیات مباحث ادبیات کودک: «اصول ادبیات کودکان» (۱۳۴۷) با مخاطب
قراردادن معلمان به عنوان یکی از محوری‌ترین توزیع‌کنندگان تولیدات ادب کودک، به تعریف
ادبیات، شیوه‌ها و اصول برقراری ارتباط با کودکان متناسب با ویژگی‌ها و نیازهای آنها پرداخته
است. هرچند این کتاب جزء اولین پژوهش‌هایی است که به زبان فارسی در حوزه ادبیات
کودک و نوجوان نوشته شده است اما با محدود کردن مخاطبان کتاب، به مرزبان و مرزبان
کودک تصویری روشن از ادبیات کودک ارائه کرده و توانسته تا حد زیادی مباحث را
جمع‌بندی کند؛ نکته‌ای که در سایر پژوهش‌ها و حتی تا به امروز به آن توجه نشده، آن است
که پرداختن به تمام ابعاد ادبیات کودک و نوجوان در یک اثر نشدنی است و می‌توان بر حسب
گروه مخاطبان بر مباحث متمرکز شد. در واقع، این مخاطب‌شناسی و تفکیک آثار تألیفی برای
هر گروه از مخاطبان، هم باید در ادبیات کودک باشد و هم در رشته ادبیات کودک و تحقیقات
این حوزه. بنابراین به نظر می‌رسد پژوهش‌های ادبیات کودک و نوجوان را برای سه گروه
می‌توان دسته‌بندی و تعریف کرد و نتایج آن را به آنها ارائه داد:

۱. ادیب‌ها: شامل نویسندگان و سراینده‌گان کودک و نوجوان؛

۲. توزیع‌کنندگان محتواهای ادبیات کودک و نوجوان: شامل معلمان، مرزبان،

کتابداران، اهالی رسانه و کسانی که به نوعی محتواهای ادب کودک و نوجوان را در قالب‌ها
و شکل‌های مختلف به کودکان و نوجوانان ارائه می‌کنند؛

۳. پژوهشگران: شامل محققانی که به‌طور علمی مبانی نظری ادبیات کودک و

نوجوان را مطالعه می‌کنند.

۶دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ارائه‌الگوی بازنویسی داستان های مثنوی مولوی برای کودکان، (نویسنده اول: آقانوری)

هر پژوهشی که برای مخاطبان دسته اول و دوم انجام گیرد دسته سوم، خواه‌ناخواه و بطور ضمنی مخاطب آن قرار می‌گیرند؛ چراکه راه تأیید و پذیرفته‌شدن هر پژوهشی تنها از گذر نهادی علمی صورت می‌گیرد.

کتاب «گذری در ادبیات کودکان» (۱۳۵۵) با اشاره به برخی از ویژگی‌های کودکان، به تبیین شمایی کلی از ماهیت ادبیات کودک پرداخته است. «پژوهشی اجمالی در زمینه ادبیات کودکان» (۱۳۵۵) به تبیین ادبیات و ادبیات کودک به منزله پدیده‌ای اجتماعی پرداخته و تاریخچه، اهداف و انواع ادبیات کودک را بررسی کرده است. «۳۹ مقاله درباره ادبیات کودکان» (۱۳۶۳) و «۱۷ مقاله درباره ادبیات کودکان» (۱۳۷۲) نیز مجموعه‌ای از مقالات شامل طیفی وسیع و گاه پراکنده از مباحث ادبیات کودک را در بر دارد.

ب) ابعاد مختلف ادبیات کودک: مقاله «معصومیت و تجربه در شعر کودک» (۱۳۷۸) از منظر علوم تربیتی در تلاش برای تدوین نظریه نقد ادبیات کودک است. مؤلف با بهره‌گیری از نظرات ویلیام بلیک معیاری را به‌عنوان هدف ادبیات کودک و در واقع برای لحاظ شدن در نقد ادبیات کودک مطرح کرده و با ذکر شواهدی از اشعار کودکان و نمود این معیار در آنها بر درستی دیدگاه خود صحت گذاشته است. هرچند این مقاله به کوششی در تدوین نظریه نقد ادبیات کودک تعبیر شده است اما فی‌الواقع محقق یکی از معیارهای نقد شعر کودک را تبیین کرده است. اگر معیارهای نقد شعر کودک در قالبی نظام‌مند تبیین شده و نظریه نقد شعر تدوین شود، در آن صورت، حاصل آن پژوهش، کوششی در تدوین نظریه نقد ادبیات محسوب خواهد شد. مقاله «چهار محور سازنده متن ادبی کودکان» (۱۳۷۸) با نگاهی زبان‌شناختی به تبیین عناصر ادبیات کودک پرداخته است. «ادبیات کودکان متوسط؛ تأملی در مخاطب‌شناسی» (۱۳۷۸) به معرفی و آسیب‌شناسی دو رویکرد مخاطب‌شناختی در مواجهه با ادبیات کودک پرداخته و تلاش کرده تا راهی میانه از این دو را برگزیند. «مفهوم کودک و هدف ادبیات کودکی» (۱۳۷۸) نیز از منظر علوم تربیتی و با بهره‌گیری از نظریات مختلف، هدف ادبیات کودک را بیان می‌کند. مقاله «نقش علوم تربیتی در ادبیات کودک» (۱۳۸۵) به‌طور

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ارائه‌الگوی بازنویسی داستان‌های مثنوی مولوی برای کودکان، (نویسنده اول: آقانوری)

۷

اجمالی به تبیین کارکرد علوم تربیتی در ادبیات کودک می‌پردازد. «فقدان روشمندی؛ تأملی بر روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان» (۱۳۸۰) با تمرکز بر نقاط ضعف کتاب روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان، ساختار و محتوای آن را نقد کرده است.

پ) بازنویسی متون کهن: «روش‌های بازنویسی و بازآفرینی و ترجمه و پرداخت در آثار ادبی» (۱۳۸۰) به شیوه‌های بازنویسی و بازآفرینی و ترجمه و پرداخت در آثار ادبی پرداخته است.

ت) بازنویسی متون کهن برای کودکان: «مقدمه‌ای بر بازنویسی بازآفرینی در ادبیات کودک و نوجوان» (۱۳۷۰) به بیان ضرورت و اصول بازنویسی و بازآفرینی پرداخته و برخی از اصول بازنویسی از مثنوی را تبیین کرده است. «کودکان و ادبیات رسمی ایران» (۱۳۷۱) با لحاظ نگاهی ریشه‌شناختی به تبیین مباحث ادبیات، ادبیات کودک و شیوه‌های بازنویسی و بازآفرینی پرداخته و در ادامه مطابق با اصول و با دسته‌بندی‌های ارائه‌شده، آثار بازنویسی‌شده از ادبیات کهن از جمله مثنوی مولوی را ارزیابی کرده است. از نقاط قوت این پژوهش آن است که پس از طرح داده‌های آماری و نموداری به تحلیل آنها پرداخته است. در پایان‌نامه «بررسی اصول و روش‌های بازنویسی در ادبیات کودک بر اساس ۲۰ داستان پرکاربرد» (۱۳۸۸) بازنویسی‌های صورت گرفته از شاهنامه، مثنوی، کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه و مثنوی بررسی و تحلیل شده و پیشنهادهایی برای بازنویسی‌های بعدی ارائه شده است. پایان‌نامه «بررسی اصول و شیوه‌های بازنویسی متون کهن ادبی برای نوجوانان» (۱۳۹۲) بازنویسی‌های صورت گرفته از گلستان، کلیله و دمنه، مثنوی و شاهنامه را از حیث عناصر داستانی و علم معانی بررسی کرده و با نگاهی کلی (برای متون کهن ادبی) و با نگاهی جزئی (برای شاهنامه، گلستان، کلیله و دمنه و مثنوی) برای بازنویسی‌های بعدی پیشنهادهایی مطرح شده است. پایان‌نامه «بررسی شیوه‌های بازنویسی و ساده‌سازی متون کهن ادبی برای کودکان» (۱۳۹۲) بازنویسی‌های صورت گرفته از شاهنامه، گلستان، بوستان، کلیله و دمنه و مثنوی را بررسی کرده است.

۸ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ارائه‌الگوی بازنویسی داستان‌های مثنوی مولوی برای کودکان، (نویسنده اول: آقانوری)

ث) تبیین اصول بازنویسی متون کهن برای کودکان با مطالعه موردی: شامل این آثار تحقیقاتی: «بررسی اصول و معیارهای بازنویسی برای کودکان و نوجوانان؛ مطالعه موردی: داستان‌های شاهنامه فردوسی» (۱۳۹۷) و «ارائه شاخص‌های مطلوب بازنویسی و داستان‌گزینی آثار حماسی در ادبیات کودک و نوجوان؛ با تأکید بر شاهنامه فردوسی» (۱۳۹۷)؛ ج) بازنویسی مثنوی برای کودکان: در برخی از این تحقیقات، اصول بازنویسی مثنوی تبیین شده است؛ مانند مقالات «بررسی چند دهه بازنویسی از مثنوی» (۱۳۸۰) و «نگاهی بر بازنویسی‌های مثنوی مولوی برای کودکان و نوجوانان» (۱۳۸۸). در برخی دیگر، بازنویسی‌های موجود از داستان‌های مثنوی بررسی شده است؛ مانند پایان‌نامه‌های «نقد و بررسی بازنویسی‌های خلاق داستان‌های مثنوی برای کودکان و نوجوانان بر اساس ۲۰ اثر برگزیده» (۱۳۹۴)، «تحلیل محتوایی ۲۰ سال بازنویسی مثنوی برای کودکان و نوجوانان» (۱۳۹۳)، «نقد و تحلیل بازنویسی‌های پس از انقلاب از مثنوی مولوی برای کودکان و نوجوانان» (۱۳۹۲) و رساله «بررسی بازنویسی‌ها و بازآفرینی‌های مثنوی مولوی برای کودکان و نوجوانان» (۱۳۹۱).

بر این مبنا در نگاهی کلان برخی از آسیب‌ها و نقصان‌های پربسامد تحقیقات ادبیات کودک، این مباحث را شامل می‌شود: بررسی نشدن مبانی روش‌شناختی ادبیات و علوم تربیتی به‌طور مستند و کافی، تمرکز بر تحلیل عناصر داستانی و بررسی نکردن بازنویسی‌های موجود از داستان‌های کهن از مناظر تازه (ر.ک مرتضایی، ۱۳۹۱؛ عزیزی علویجه، ۱۳۹۲؛ نجفی بهزادی، ۱۳۹۲؛ تاجی نژاد، ۱۳۹۳)، ارائه نکردن یافته‌های علمی در قالب ساختاری نظام‌مند و الگویی گام‌به‌گام (ر.ک شعاری نژاد، ۱۳۴۷؛ پایور، ۱۳۷۰؛ نصر اصفهانی، ۱۳۸۸؛ اخوت، ۱۳۸۹؛ نجفی بهزادی، ۱۳۹۲؛ انصاری، فرزاد، ۱۳۹۷؛ فاضلی، نصر اصفهانی، ۱۳۹۷)، پرداختن به کلیات و انتخاب نکردن عناوین دقیق و جزئی (ر.ک نصر اصفهانی، ۱۳۸۸؛ مرتضایی، ۱۳۹۱؛ عزیزی علویجه، ۱۳۹۲؛ نجفی بهزادی، ۱۳۹۲؛ تاجی نژاد، ۱۳۹۲؛ خانی، ۱۳۹۴؛ فاضلی، نصر اصفهانی، ۱۳۹۷)، نداشتن نگاه انتقادی و روشمند در انتخاب معیارهایی که برای نقد

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ارائه الگوی بازنویسی داستان‌های مثنوی مولوی برای کودکان، (نویسنده اول: آقائوری)

۹

بازنویسی‌های موجود از داستان‌های کهن لحاظ شده است (ر.ک شعاری نژاد، ۱۳۴۷؛ مقدم، ۱۳۹۳؛ فاضلی، نصر اصفهانی، ۱۳۹۷)، طرح دسته‌بندی‌ها و تقسیم‌بندی‌هایی که اجزای آن قسیم با یکدیگر نیست (ر.ک نصر اصفهانی، ۱۳۸۸؛ مرتضایی، ۱۳۹۱؛ مقدم، ۱۳۹۳)، کلی‌گویی در ارائه نتایج تحقیق (ر.ک تاجی نژاد، ۱۳۹۲؛ مقدم، ۱۳۹۳؛ خانی، ۱۳۹۴)، بسط نیافتن محورهای اصلی و نپرداختن به الزامات و جزئیات آنها برای تدوین نظریات علمی (ر.ک سیدآبادی، ۱۳۸۰؛ کریمی، ۱۳۸۴؛ اخوت، ۱۳۸۹)، ارائه نشدن تحلیل‌ها، دریافت‌ها و یافته‌های تازه مبتنی بر داده‌های آماری (ر.ک نصر اصفهانی، ۱۳۸۸؛ مرتضایی، ۱۳۹۱؛ مقدم، ۱۳۹۳)، ارائه ندادن تعریفی نهایی از مبانی نظری و تعاریف متعددی که مطرح شده است (ر.ک رازانی، ۱۳۵۵: ۱۱؛ فاضلی، نصر اصفهانی، ۱۳۹۷: ۱۵۳)، نبودن درک درست از مبانی روش تحقیق؛ به این معنا که روش تحقیق با عبارت «کتابخانه‌ای» عنوان شده است. حال آنکه این عبارت، بیانگر رویکرد تحقیق است نه روش آن (ر.ک مرتضایی، ۱۳۹۱؛ تاجی نژاد، ۱۳۹۲؛ نجفی بهزادی: ۱۳۹۲؛ انصاری، فرزاد، ۱۳۹۵)، تفکیک نکردن «بازنویسی‌های موجود از مثنوی» و «داستان‌های بازنویسی شده مثنوی» از یکدیگر و خلط آنها با هم (ر.ک پایور، ۱۳۸۰: ۱۶؛ مقدم، ۱۳۹۳: ۹۹) و گزینش جامعه آماری به شکل غیرروشمند و یا ناکافی (ر.ک نصر اصفهانی، ۱۳۸۸؛ مقدم، ۱۳۹۳).

به این ترتیب و با علم به این کاستی‌ها ضرورتی است تا در حوزه ادبیات کودک و نوجوان مطالعاتی صورت گیرد که:

(۱) به پشتوانه منابع غنی ادبیات عرفانی متضمن مفاهیم متعالی آن انجام شود که مثنوی معنوی مولوی نمونه اتم آن است.

(۲) به مقوله بازنویسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین راه‌های انتقال مفاهیم، از دریچه‌ای نو نگرسته و یافته‌هایی تازه را ارائه کند.

(۳) در طرح اصول و نتایج تحقیق به ساختاری نظام‌مند متعهد بوده و با نگاهی روشمند و تحلیلی در صدد الگوسازی و ارائه الگوهای مبتنی بر یافته‌های پژوهش برآید.

۱۰ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ارائه الگوی بازنویسی داستان های مثنوی مولوی برای کودکان، (نویسنده اول: آقانوری)

۴) الگوی ارائه‌شده قابل‌پیاده‌سازی بوده و میزان قوت آن در قالب بازنویسی از یک داستان با به‌کارگیری همان اصول نمایان شود.

پژوهش حاضر می‌کوشد تا این ضروریات را محقق کرده و با هدف بازنویسی برای کودکان، الگویی روشمند را برای داستان‌های مثنوی مولوی ارائه کند. این تحقیق رده‌های سنی و نیز حوزه‌های علوم مرتبط یعنی علوم ادبی و علوم تربیتی را از یکدیگر تفکیک کرده است؛ مبانی و اصول هر یک از شاخه‌های علمی مبتنی بر اقتضائات آنها تبیین شده و بر اساس آنها راهکارهای علمی ارائه شده است.

چنانکه گفته شد الگوی طراحی شده بر پایه آرای تربیتی مونته‌سوری بنا نهاده شده است. بر این مبنا یکی از مباحث ضروری در طراحی الگو انتخاب رده سنی بوده است. مونته‌سوری به این رده‌بندی سنی قائل است: الف) تولد تا حدود ۷ سالگی، ب) ۷ تا ۱۲ سالگی (ج) ۱۲ تا ۱۸ سالگی (۱۳۷۴: ۸-۹). از آنجا که مثنوی متضمن مفاهیم عالی و انتزاعی است و در بازنویسی غالباً محتوا انتقال می‌یابد، رده سنی ۷-۱۲ سال انتخاب شده تا کودک با قدرت تفکر انتزاعی خود (مونته‌سوری، ۱۳۷۴: ۱۴) محتوا را دریابد و در عین حال در او نهادینه شود.

گفتنی است در باب بازنویسی، «تعلیم موثر کودکان از طریق آموزه‌های عرفانی و اخلاقی» هدفی دستیافتنی و واقع‌بینانه است. این هدف در نگاه اول، بیشتر، رویکردی معناگرایانه به بازنویسی مثنوی دارد اما ذکر عبارت «موثر» در آن، حاکی از آن است که هدف «التذاذ ادبی و هنری» نیز در آن گنجانده شده و ادبیت و هنری بودن متن، عنصری حیاتی برای آثار ادبیات کودک به شمار می‌رود؛ زمانی که متن ادبی و بیان آن، دلنشین و لذت‌بخش باشد، محتوای آن کارگر می‌افتد و در مخاطب اثر می‌کند؛ بنابراین معنا و لفظ، چه گفتن و چگونه گفتن، دو کفه یک ترازو هستند که به هر دو باید پرداخت. این هدف در باب بازنویسی مثنوی بی‌شبهت به شیوه مولوی نیست. او نیز «داستان را نه تنها برای تبیین معانی عرفانی به کار می‌گیرد بلکه نفس داستان‌پردازی و جذاب کردن آن نیز برای او بسیار اهمیت دارد» (پورنامداریان، ۱۳۸۴:

۳۱۹). در نتیجه این هدف که در ابتدا به انتخاب مبانی، اصول و روش‌های الگو جهت می‌دهد در نهایت، روح حاکم بر مثنوی را در اثر بازنویسی شده نمایان می‌کند.

تعلیم موثر از طریق آموزه‌های عرفانی و اخلاقی به معنای تعلیم عرفان و مبانی سیر و سلوک نیست؛ بلکه انسان‌سازی، جامعه‌پذیری و نهادینه کردن ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی را در مراحل حساس شکل‌گیری شخصیت کودکان پی می‌گیرد. از سویی پرداختن به امور اخلاقی و اجتماعی با انگیزه‌های دینی و نگاه عرفانی گره خورده است و از سوی دیگر، بخش اعظمی از آثار ادبیات فارسی و به تبع فرهنگ ایرانی اسلامی بر پایه مباحث عرفانی است. به این ترتیب عرفان با اقتضات فرهنگی و بومی نیز همخوانی دارد.

برجستگی و امتیاز مثنوی مولوی در قیاس با سایر آثار عرفانی آن است که این اثر مباحث اخلاقی و اجتماعی را با بلاغت در کلام و بهره‌گیری از مباحث زیبایی‌شناختی و آرایه‌های ادبی مطرح کرده است؛ مخاطب و اقتضای حال او را در نظر گرفته و در حضور مخاطبان، مباحث عمیق و بنیادی را با زبان تمثیلی و عامیانه به پیش برده است. از این منظر این اثر در تعلیم آموزه‌های اخلاقی و عرفانی متمایز بوده و برای به‌روزرسانی و بازنویسی مناسب به نظر می‌رسد.

۲. مبانی حاکم بر الگو

منظور از مبانی، گزاره‌ها و قضایایی توصیفی است که حاوی «است» باشد. این قضایا به ویژگی‌های عمومی اشاره دارد و بر اساس آن، اصول شکل می‌گیرد. (باقری، ۱۳۸۷: ۴۶-۵۶)

مثلاً اینکه کودک در سن ۷-۱۲ سال دارای تخیل قدرتمند است، یک مبنا محسوب می‌شود. در این سطور، مبانی تربیتی-ادبی ویژه رده سنی ۷-۱۲ سال از پژوهش‌های حوزه ادبیات کودک و مبانی تربیتی از منابع علوم تربیتی و آرای مונته‌سوری استخراج شده است. مبانی تربیتی-ادبی آن دسته از مبانی‌ای است که به ویژگی‌ها و قابلیت‌های کودکان در مواجهه با ادبیات اشاره دارد. بعد از تبیین هر یک مبانی تربیتی، ارتباط آن مبنا با مقولات ادبیات کودک، بازنویسی و آثار کهن و مثنوی روشن شده است.

۱۲ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ارائه‌الگوی بازنویسی داستان‌های مثنوی مولوی برای کودکان، (نویسنده اول: آقانوری)

۱,۲. مبانی تربیتی-ادبی:

در ابتدای این رده سنی کودکان قدرت خواندن داستان‌های بلند، کتاب‌های تک داستانی، کتاب‌هایی درباره سرزمین‌های دیگر، ماجراهای گروه‌های مختلف کودکان را دارند و حتی قسمت‌هایی از کتاب‌های علمی تاریخی نظر آنها را جلب می‌کند؛ می‌خواهند درباره محتوای کتاب‌ها به بحث و گفتگو بپردازند؛ بیشتر به کتاب‌های حماسی و قهرمانی روی می‌آورند؛ لذت از شنیدن و خواندن و دیدن ماجراها شروع می‌شود. (آهی و دیگران، ۱۳۵۲: ۳۶)

- در پایان این دوره در جزئیات خلقی شخصیت‌های کتاب‌ها دقیق‌تر می‌شوند؛ ماجراهای واقعی گذشته و به خصوص حال دنیای خودشان ساعت‌ها آنها را سرگرم می‌کند؛ خواندن تدریجی شرح‌حال‌ها، داستان‌های واقعی طولانی، کتاب‌های ماجراجویی، عشقی، قهرمانی، عاطفی شروع می‌شود. (همان: ۳۷)

- در ابتدای این دوره تاحدودی قدرت خواندن مستقل می‌یابند و به کتاب‌های خاص خودشان روی می‌آورند؛ عدم تعادل در نوشته، کلمات دشوار دور از ذهن و توصیف‌های طولانی، تشبیهات عامیانه، اصطلاحات نامفهوم و خارج از دایره تجربه کودک، او را در نخستین گام‌ها از خواندن مستقل بیزار می‌کند؛ در میانه این دوره سرعت و مهارت خواندن بیشتر می‌شود؛ طفل به بعضی صنایع شعری و ادبی آگاهی یافته و تاحدودی انواع نوشته‌ها و سبک‌ها برایش مطرح می‌شود. به کیفیت نوشته‌ها نقادانه توجه می‌کند؛ خواندن کلمات شکسته برایش دشوار است؛ در پایان این دوره گنجینه لغات کودک غنی‌تر شده است؛ اصطلاحات ساده، ضرب‌المثل‌ها، استعارات و تشبیهات ادبی اولیه را در می‌یابد؛ بسیاری از اشعار بزرگان را باید برایش معنی کرد؛ (همان: ۴۱)

- در پایان این رده سنی سبک‌های ادبی را با کمی تعمق باز می‌شناسد؛ به صامت‌خوانی و تندخوانی تاحدودی مسلط شده است؛ کلمات شکسته محاوره‌ای در خواندن او وقفه ایجاد می‌کند؛ از نوشته روان و کلماتی با رسم‌الخط آشنا بهتر استفاده می‌کند. (همان:

۲،۲. مبانی تربیتی:

۱. کودک به محدوده عمل وسیع‌تری برای تجربیات اجتماعی نیاز دارد (همو، ۱۳۷۴: ۱۱):
باید برای کتاب‌های کودک رده‌بندی سنی وجود داشته باشد و کتاب‌های هر رده از رده دیگر متمایز باشد. ۲. ساختار ذهنی کودک به او امکان درک وقایعی را می‌دهد که دور از دسترس اولیه‌اش روی می‌دهند. بر حسب اینکه محیط زندگی دارای تمدنی ساده یا پیچیده باشد، تار ذهنی او کوچک‌تر یا بزرگ‌تر خواهد بود و به او امکان رسیدن به هدف‌های زیادتر یا کمتری را می‌دهد (همان: ۱۳): کودکان موضوعات انتزاعی را درمی‌یابند. در عناصر داستانی، اگر زمان و مکان ناشناخته وجود داشته باشد قادر به درک آنها هستند؛ طرح و توصیف شخصیت‌های بزرگ و نادر، مکان‌های پیشرفته و متمدن و کنش‌های خارق‌العاده در ظرف ذهن کودکان می‌گنجد و موجب می‌شود تا برای رسیدن به آنها یا تحقق آن موقعیت‌ها تلاش کنند. اگر این عناصر داستانی به شکلی مثبت، هدفمند و موثر باشد باعث رشد فرد و جامعه می‌شود. ۳. نیاز به تفکر انتزاعی احساس می‌شود (همان: ۱۴): برای کودکان می‌توان موضوعات انتزاعی و بنیادین را از داستان‌های کهن شامل مثنوی مولوی بازنویسی کرد. ۴. کودک رفته‌رفته به سمت مسائل اخلاقی و قضاوت کردار متمایل می‌شود. (همان): امکان بازنویسی موضوعات اخلاقی و اجتماعی برای کودکان از داستان‌های کهن شامل مثنوی مولوی وجود دارد. ۵. کودک به مفهوم عدالت پی می‌برد (همان: ۱۵): برای کودک می‌توان موضوعات مربوط به عدالت را از داستان‌های کهن شامل مثنوی مولوی بازنویسی کرد. ۶. ارتباطات اخلاقی موجب بیداری وجدان می‌شود. اگر تا به حال، مسئله این بود که موقع راه رفتن تنه نزنند، در این مرحله، مسئله مهم‌تر آن است که کسی را نرنجانند. (همان: ۱۶): طرح موضوعات اخلاقی می‌تواند به تغییر رفتار کودکان منجر شود. ۷. توانایی‌های فرد تحت فرمان دیگران نبوده و تنها از وجدان شخص کودک پیروی می‌کند. (همان: ۱۸): آموزش مستقیم مفاهیم به کودک موثر نیست. ۸. او در مورد تمام چیزهایی که برایش تازه است، قضاوت می‌کند (همان: ۱۹): تازه بودن طرح داستان بازنویسی شده موجب خواندن یا شنیدن فعال کودک می‌شود و کودک بهتر

۱۴ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ارائه‌الگوی بازنویسی داستان های مثنوی مولوی برای کودکان، (نویسنده اول: آقانوری)

نتیجه‌گیری می‌کند. ۹. او به درک چگونگی و علت (چگونه و چرا) می‌پردازد. (همان): موضوعات فلسفی برای کودکان جذاب است. ۱۰. کودک سوالات زیادی دارد (همان): ذهن کودک فعال است و موضوعات با تنوع گسترده‌ای برای او جذاب است. ۱۱. سوء تفاهم‌ها بین کودک و والدین شکل می‌گیرد (همان: ۲۰): موضوعات ادبیات کودک باید به طور مستقیم یا ضمنی پاسخگوی چالش‌ها و نیازهای جدید کودک باشد. ۱۲. طرح پایه‌هایی از حقیقت، میل به دانستن را در کودک بیشتر می‌کند (همان: ۳۳): کودکان به کشف حقایق درباره طبیعت هستی خواه با تفکر انتزاعی خواه با مشاهده عینی علاقه دارند. ۱۳. کودک ذهنی منطقی دارد. دادن اطلاعات پراکنده به کودک ذهن او را مشوش می‌کند (همان: ۷۵): انتخاب مفاهیم تعلیمی در ادبیات کودک باید مدیریت شود و حجم انبوهی از اطلاعات و مقاصد تعلیمی لحاظ نشود. ۱۴. آموزش جزئیات و نکات، کودک را به ابهام می‌اندازد؛ در حالی که برقرار نمودن ارتباط میان موضوعات و مطالب باعث انتقال شناخت و آگاهی به او می‌شود (همان): در انتقال مفاهیم تعلیمی می‌توان از ترکیب متن و تصویر و یا صوت و نمایش استفاده کرد. بازنویس در گزینش داستان می‌تواند داستان‌هایی باورپذیر و با روند منطقی را برای کودکان انتخاب کند و یا بعضی از عناصر داستان را تغییر دهد. مثلاً اینکه وقوع داستان به جای شهر بخارا در یک مکان فرهنگی یا تاریخی شناخته شده باشد. ۱۵. در این سن کودکان شوخ‌طبعی می‌کنند. (به نقل از لورن ال‌کلب، ۲۰۱۹: ۶): موضوعات طنز برای کودکان جذاب است. ۱۶. واکنش‌های عاطفی قدرتمند بروز می‌دهند (همان: ۱۰): کودکان می‌توانند با شخصیت داستان هم‌ذات‌پنداری کنند. ۱۷. بر عدالت و انصاف به‌خصوص هنگام درگیری‌های شخصی تاکید می‌کنند (همان: ۱۵): مفهوم عدالت را به‌خصوص در گره داستان درمی‌یابند. ۱۸. قدرت داستان‌پردازی به دست می‌آورند (همان): می‌توانند بخشی از داستان را تکمیل کنند. ۱۹. بر روی شخصیت‌های کلیدی حساس شده و بر آنها تمرکز می‌کنند (همان: ۱۷): طرح شخصیت‌های برجسته و الگوهای رفتاری برای آنها جذاب و در عین حال مفید است. ۲۰. به فرهنگ شامل علوم زندگی، علوم فیزیک، علوم اجتماعی و هنرها علاقه

دارند (wsmontessori.org/sites/default/files/pdf/files/needs-and-characteristics-of-the-elementary-child.pdf&ved=1۳۹۹/۳/۲۵): به عناصر فرهنگی جامعه از جمله متون کهن ادبی و به تبع بازنویسی‌های موجود از آنها با موضوعات متنوع علاقه دارند. ۲۱. برای پذیرش اجتماعی میان همسالان تلاش می‌کنند (همان): اگر سلیقه جمعی از کودکان، کتابخوانی باشد کودک از سلیقه آنها حداقل با انگیزه پذیرش اجتماعی تبعیت می‌کند. ۲۲. برای کسب استقلال عاطفی تلاش می‌کنند (همان): موضوعات اخلاقی و داستان شخصیت‌هایی که چالش‌های عاطفی دارند متناسب با روحیات و نیازهای آنها برای کودکان جذاب است. اگر شخصیت در پایان داستان، پاسخ درستی به آن چالش بدهد، برای کودکان مفید خواهد بود. ۲۳. می‌توانند جامعه‌پذیر شوند (همان): اهداف تعلیمی را در ادبیات کودکان می‌توان لحاظ کرد. ۲۴. مفهوم گذشته، حال و آینده را درک می‌کنند (همان): در عناصر داستانی، زمان محدودیت خاصی ندارد و اگر میزان رفت و برگشت‌ها محدود باشد نویسنده و بازنویس می‌تواند سیر خطی زمان را لحاظ نکند و به این صورت به داستان جذابیت بیشتری بخشد. ۲۵. به تمجید شدن و شناخت پیدا کردن نیاز دارند (همان): در خلال داستان از زبان راوی یا شخصیت‌ها می‌توان به ویژگی‌های برجسته و ترجیحا مثبت کودکان اشاره کرد. ۲۶. عزت نفس برای کودکان مهم می‌شود و درباره خود فکر می‌کنند (همان): طرح داستان‌هایی که در آن، شخصیت‌ها به طور ضمنی برای عزت نفس و شخصیت انسانی خود ارزش و شان قائل‌اند، برای کودکان جذاب است.

درباره اصول حاکم بر الگو می‌توان گفت «منظور از اصول، گزاره‌ها و قضایایی است که حاوی «باید» است. اصول، دستورالعمل‌های کلی و قواعد عامه‌ای است که از آن به عنوان راهنمای عملی استفاده می‌شود» (باقری، ۱۳۷۸: ۴۶). مثلاً اینکه در سن ۷-۱۲ سال باید از ابزارهایی استفاده کرد که تخیل کودکان را تقویت کند، در زمره اصول تربیتی می‌گنجد. بعد از تبیین هر یک اصول تربیتی، ارتباط آن اصل با مقولات ادبیات کودک، بازنویسی و آثار کهن و مثنوی روشن شده است.

۱۶ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ارائه الگوی بازنویسی داستان های مثنوی مولوی برای کودکان، (نویسنده اول: آقانوری)

- اصول ادبی (با تمرکز بر عناصر داستانی)

در بخش زبان و بیان باید لحن داستان با محتوای آن متناسب باشد. (نجفی بهزادی، ۱۳۹۲: ۱۵۹)؛ متن باید از اشکالات نشانه‌ای، نگارشی و دستوری ویراسته باشد. (شورای کتاب کودک)؛ باید به طور فراگیر تمامی عناصر زبانی با اقتضای حال کودکان در تناسب باشد. زبان و لحن داستان در سراسر آن باید یکدست باشد مگر در گفتگوهایی که شخصیت‌های مختلف با ویژگی‌های متمایز از یکدیگر، باهم دارند؛ ترکیب هاء غیرملفوظ و نقش‌نمای اضافه که با توجه به مبانی ویرایشی باید به شکل «ه» باشد، برای کودکان که در کتاب‌های درسی با این شکل آشنا نیستند و نیز مجالی برای تبیین آن وجود ندارد، به شکل «هی» بیاید؛

در طرح داستانی در بازنویسی ساده، جریان کلی و اصلی داستان باید حفظ شود و در بازنویسی خلاق، باید تغییراتی در روند اصلی داستان ایجاد شود. در محتوا باید بازنویسی از کل مضمون صورت گیرد نه از سطر به سطر آن (هاشمی‌نسب، ۱۳۷۱: ۴۷)

در زمان و مکان باید به فضا سازی در داستان توجه شود و حس و حال حاکم بر زمان و مکان و تغییراتی که در آنها ایجاد می‌شود به مخاطب منتقل شود. (نجفی بهزادی، ۱۳۹۲: ۱۵۹) در زاویه دید و گفتگو، باید بین بیان راوی و گفتگوی بین شخصیت‌ها تعادل برقرار باشد و با تلفیقی از آنها روند داستان را به پیش رود. در شخصیت، اگر در روند داستان شخصیت کودکی وجود دارد که نقشی مثبت ایفا می‌کند، آن شخصیت پررنگ و برجسته شود.

- اصول تربیتی:

۱. باید با مباحث مالی و پولی آشنا شوند (مونه‌سوری، ۱۳۷۴: ۱۱): بازنویسان و آفرینندگان ادبیات کودک می‌توانند موضوعات اقتصادی را برای داستان‌ها انتخاب کنند. ۲. باید کودک را در زمینه اخلاقی یاری کرد؛ زیرا بعدها این مسئله سخت‌تر می‌شود. (همان: ۱۴): طرح موضوعات اخلاقی در این رده سنی اهمیت چشمگیری دارد. ۳. باید کودک را در اولین قدم‌هایش در دنیای انتزاع یاری داد (همان: ۲۰): مدیریت تفکر انتزاعی کودکان با مفاهیم

بنیادی، تعلیمی، فلسفی و اجتماعی می‌تواند این خصیصه آنها به شکلی مثبت و مفید جهت‌دهی کند. ۴. معلم موظف است در مورد آنچه باید انجام دهد و آنچه باید بگوید و حدودی که در آن باید به سوالات پاسخ بگوید، مطمئن باشد. او باید به روشنی بر این مسئله واقف باشد که وظیفه‌اش کم‌گویی، راستگویی و اجتناب از گفتن کل واقعیت است. باز هم در اینجا باید سخن لازم و کافی بگوید (همان): یکی از معتبرترین منابع محتوایی، آثار ادبیات کهن فارسی به‌ویژه مثنوی مولوی به شمار می‌رود و رعایت جوانب مختلف در گزینش مفاهیم و داستان‌ها ضروری است. همچنین برای حجم کتاب و تعداد کلمات باید حدودی تعیین شود که در این تحقیق به آنها پرداخته شده است؛ بازنویس باید به همه مفاهیمی که در صدد انتقال آن است، مسلط باشد. علاوه بر زبان اثر کهن باید بر محتوا و مقاصد اصلی آن نیز به طور کامل مسلط باشد. ۵. از آنجا که ذهن بشر ماهیتی ریاضی و فلسفی دارد، باید سعی شود تا ذهن کودک را در ابعادی منصفانه به طرف ریاضیات و فلسفه سوق داد (همان: ۷۵)؛ ۶. باید آموزش را به موضوعات مربوط به بشریت، زندگی بشر و به‌ویژه انسان‌هایی که در پیشبرد تمدن دست داشته‌اند سوق داد (همان: ۷۵-۷۷): طرح موضوعات بنیادین، فلسفی و هستی‌شناختی و معرفی الگوهای شخصیتی برای کودکان مفید است.

۳. روش‌ها و تحلیل

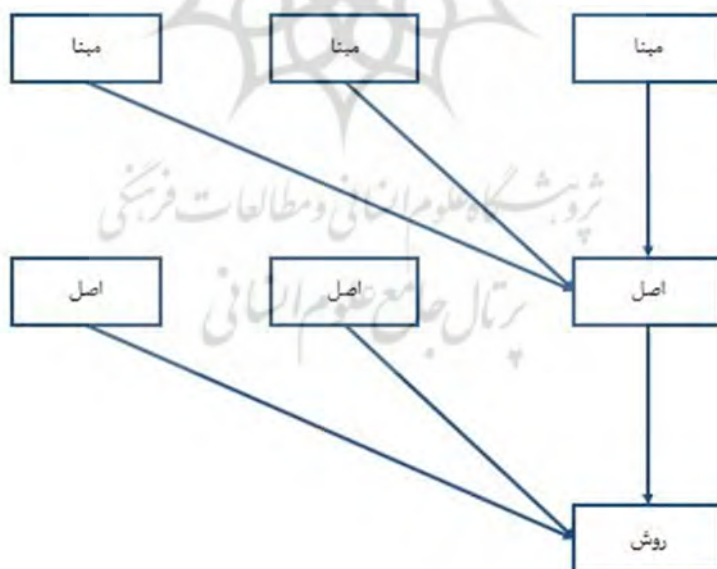
منظور از روش‌ها، دستورالعمل‌های جزئی برای ایجاد تغییرات مطلوب است (باقری، ۱۳۸۷): ۶۵؛ مفهومی که پیشتر در تحقیق حاضر تحت عنوان راهکارهای اجرایی و مباحث عملیاتی و تجویزی نیز مطرح شده است. زمانی که این روش‌ها مبتنی بر اصول باشد و آن اصول نیز بر پایه مبانی باشد، ارتباطی طولی در بین آنها برقرار می‌شود. به این ترتیب صورتی ضابطه‌مند از مباحث نظری شکل می‌گیرد که به مباحث عملیاتی و دستورالعمل‌های جزئی ختم می‌شود. این شکل ارتباط، همیشه بین مبانی، اصول و روش‌ها برقرار است:

۱۸ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ارائه‌الگوی بازنویسی داستان های مثنوی مولوی برای کودکان، (نویسنده اول: آقائوری)

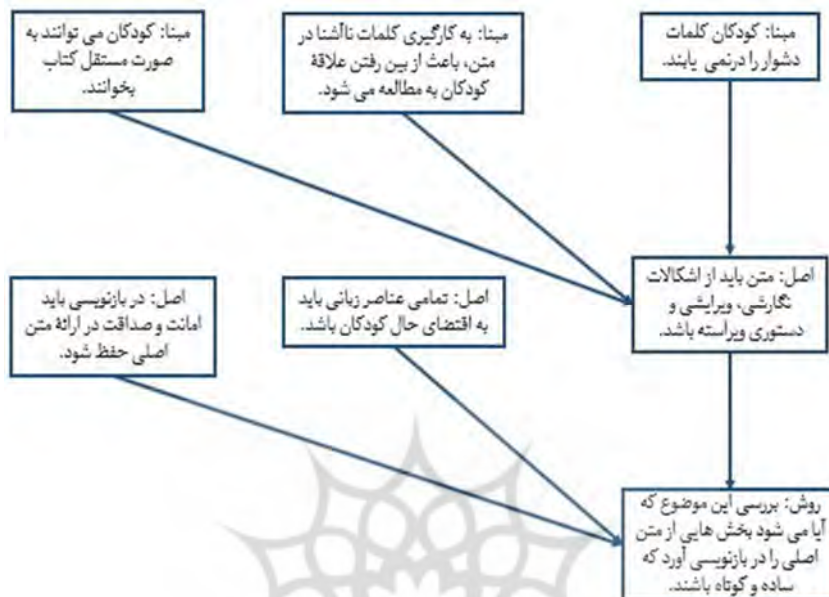


شکل ۱-۳: ارتباط مبانی، اصول و روش‌ها با یکدیگر

دریافت و فهم این روابط و کوشش برای اینکه برای هر مبنا یک اصل تعریف شود و برای هر اصل یک روش تعیین شود، باعث می‌شود تا ساختار نظری (شامل مبانی و اصول) و ساختار عملی (شامل روش‌های) موضوع مدنظر گسترش یابد. هم‌چنین مطابق تصویر، ممکن است چند مبنا از یک اصل پشتیبانی کند و یا چند اصل از یک روش حمایت کند:



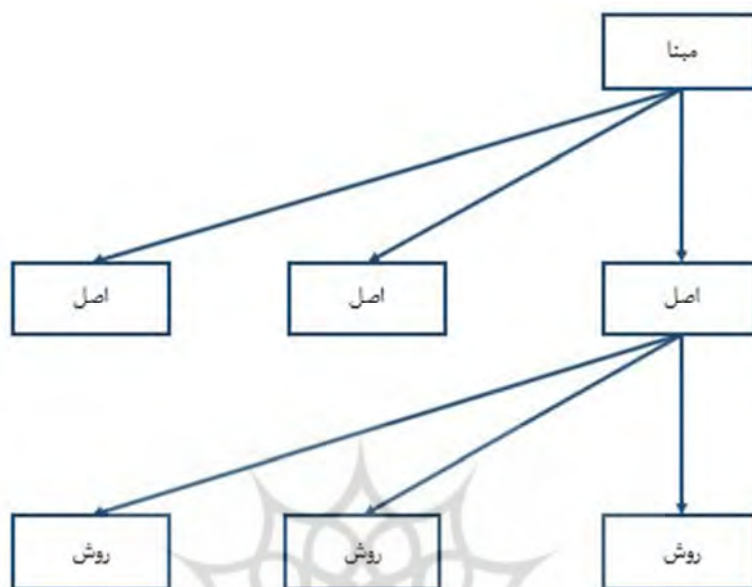
شکل ۲-۳: پشتیبانی پایه‌های نظری از یکدیگر



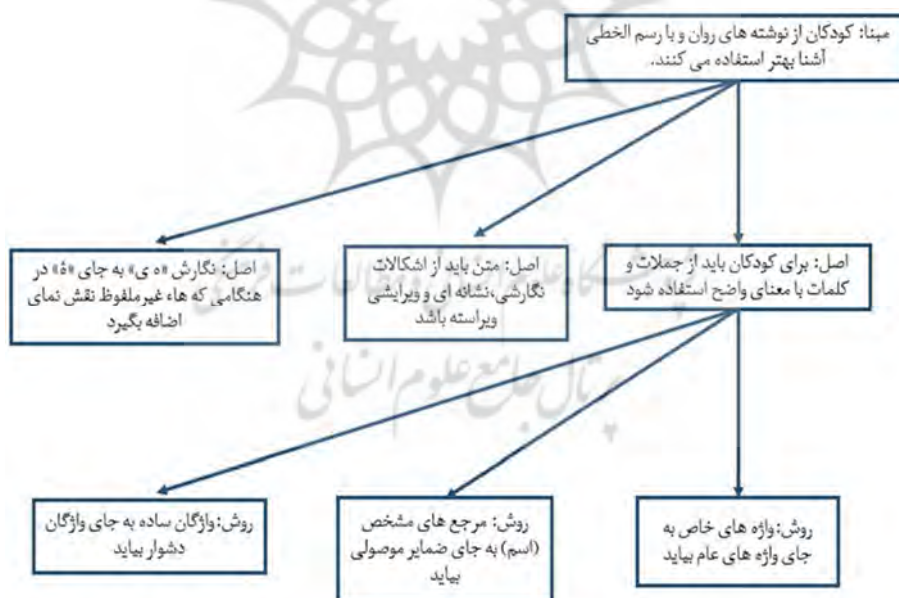
شکل ۳-۳: مثال پشتیبانی پایه‌های نظری از یکدیگر

علاوه بر این ممکن است از یک مبنا، چند اصل و از یک اصل، چندین روش نشأت گیرد و شبکه‌ای در هم پیچیده از پایه‌های نظری و عملی را شکل دهد.

۲۰ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ارائه الگوی بازنویسی داستان‌های مثنوی مولوی برای کودکان، (نویسنده اول: آقائوری)



شکل ۳-۴: گسترش‌پذیری پایه‌های نظری



شکل ۳-۵: مثال گسترش‌پذیری پایه‌های نظری

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ارائه‌الگوی بازنویسی داستان‌های مثنوی مولوی برای کودکان، (نویسنده اول: آقانوری) ۲۱

به این ترتیب، پایبندی به یک نظام روشمند در کشف ابعاد، مبانی، اصول، روش‌ها و راهکارهای تازه‌تر موثر خواهد بود.

- مراحل گام‌به‌گام الگو

مراحل مقدماتی (ملزومات)	نگریستن به مفاهیم از منظر کودکان		هم نشینی و مصاحبت با کودکان. تماشای کارتون‌های کودکان .
	آشنایی با شیوه‌های پرورش یا بروز خلاقیت		
	آشنایی با منظومه فکری مولوی		
	آشنایی با زبان مثنوی		
	آشنایی با روانشناسی رنگ‌ها		
	مشاوره و گفتگو با تصویرگر کتاب		
	آشنایی با الزامات بازنویسی در حوزه عناصر داستان	ر.ک اصول ادبی	
	تمرین نگارش متن		
مراحل اصلی بازنویسی	بررسی معیارها و گزینش داستان	محتوا: لازم است موضوعات مورد نیاز کودکان در اولویت قرار گیرد و مفاهیمی که بین موضوعات مورد نیاز کودکان و موضوعات مثنوی،	موضوعات مورد نیاز کودکان : استقلال و آزادی عمل، شایستگی، ارتباط، حمایت از خود، ارتقای کیفیت زندگی، دوست یابی، آزادی بیان و اندیشه، سرگرمی، سلامت و بهداشت، خودشکوفایی، محترم شمرده شدن، دوست داشتن و تعلق، نیاز به مشورت، منزلت فردی و اجتماعی، اطلاعات مربوط به مصرف کننده و تهیه کالای مرتبط، آینده، تایید شدن، عشق، دانستن و ارضای حس کنجکاوی، ایمان، الگوهای صحیح رفتاری و اعتقادی، ارتباط با طبیعت، مدرسه، درک همدلانه، عادت کردن به مطالعه، تکامل و توسعه خودرهبی، رشد و تکامل مهارت‌ها، خودشناسی، خودنمایی، درست و انتقادی اندیشیدن، به کارگرفتن آموخته ها، داشتن احساسات متعادل، آگاهی به امکانات و محدودیت ها، خوب و درست اندیشیدن درباره خویشتن. یافتن عوامل کنترل عواطف درونی، پذیرفتن خود و دیگران، محترم

۲۲ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ارائه‌الگوی بازنویسی داستان های مثنوی مولوی برای کودکان، (نویسنده اول: آقائوری)

<p>شمردن دیگران همانند خود، مسئولیت پذیری، لذت بردن از زندگی با دیگران، ضروری دانستن مطالعه مداوم، آفریدن و لذت بردن از خلاقیت، فرزند زمان خود بودن</p>	<p>مشترک است انتخاب شود.</p>		
<p>موضوعات مثنوی</p>			
<p>طرح: تازه بودن داستان نسبت به سایر بازنویسی های موجود. داشتن نقطه اوج. داشتن روند منطقی یا باورپذیر برای مخاطب. قابل پیش بینی بودن پایان داستان برای کامل شدن آن توسط مخاطب، در صورتی که پایان داستان خالی بماند. وجود حوادث خارق العاده و پیش بینی نشده به شکل محدود و به غیر از قسمت پایانی داستان.</p>			
<p>مکان و زمان: داشتن قابلیت تخیل و انتزاع برای کودکان، در صورتی که زمان و مکان خیالی باشد. باورپذیر بودن آن زمان و مکان برای کودکان، در صورتی که زمان و مکان واقعی باشد. لطمه نخوردن به داستان با تغییر دادن دو معیار قبلی. ایجاد نکردن مشکل برای جذابیت و محتوای داستان با مرتب کردن حوادث در روند زمانی ساده، در صورتی که داستان روند زمانی ساده نداشته باشد.</p>			
<p>شخصیت: رخ دادن تحولات تدریجی برای شخصیت‌ها. مثبت بودن نقش قهرمان‌ها. وجود داشتن شخصیت‌های کلیدی برای الگوپذیری کودکان از آنها. وجود داشتن تضاد و کشمکش بین شخصیت‌ها. باورپذیری برای مخاطب.</p>			
<p>زاویه دید: یکدست بودن زاویه دید در کل داستان. داشتن ظرفیت برای یکدست کردن زاویه دید، در صورتی که زاویه دید یکدست نباشد.</p>			
<p>گفتگو: داشتن ظرفیت برای گنجاندن گفتگو در داستان، در صورتی که در داستان گفتگو نباشد.</p>			
<p>متن یا سروده</p>	<p>تعیین شکل بازنویسی</p>		
<p>تک داستان یا مجموعه داستان</p>	<p>تعیین شکل داستان</p>		
<p>بازنویسی ساده یا بازنویسی خلاق</p>	<p>انتخاب شیوه بازنویسی</p>		

<p>استخراج تمثیل‌هایی که مولوی از آنها استفاده کرده برای آوردن در متن بازنویسی شده. بررسی اینکه آیا می‌شود یک بخش‌هایی از متن اصلی را در بازنویسی آورد با لحاظ معیار سادگی و کوتاهی آن. عنوان بندی هر داستان و یا تفکیک و برجسته کردن داستان های فرعی و اصلی. برگرداندن متن کهن به نثر روان. انتخاب کلماتی محدود از متن کهن برای آوردن در متن بازنویسی. عینیت بخشی و تمثیل آوردن برای برخی مفاهیم انتزاعی و رمزهای بدون صورت تمثیلی و محسوس. توضیح معنای کلمه در پاورقی، توضیح با زبان محاوره در پاورقی یا در متن، استفاده از کلمات مترادف و بافت مناسب، استفاده از تصویر و.. برای ارائه کلمات کهن در داستان امروزی. تعیین آن بخش‌هایی از داستان که لازم است جابه جا شود در بازنویسی ساده. تعیین آن بخش‌هایی از داستان که لازم است حذف یا اضافه شود در بازنویسی خلاق.</p>	<p>استخراج عناصر زبانی مثنوی مولوی برای به کارگیری آنها در داستان</p>	
<p>استخراج مقاصد اصلی مولوی از سرایش مثنوی از منابع معتبر و علمی. دریافتن ارتباط منطقی‌ای که داستان بازنویسی شده با داستان‌های قبلی و بعدی‌اش دارد. فهم بافت و موقعیت داستان در کلام مولوی. انتخاب آن مفاهیمی که لازم است منتقل شود. برگرداندن آن مفاهیم به نثر روان. انتخاب و تعیین اینکه کدام دسته از مفاهیم با متن، تصویر یا رنگ متن منتقل می‌شود. تهیه یک متن روان شامل روایت داستان و مقاصد اصلی‌ای که در خلال داستان به آنها اشاره می‌شود</p>	<p>استخراج عناصر فکری مثنوی مولوی برای به کارگیری آنها در داستان</p>	
<p>زبان و بیان: انتخاب وزن شاد و کوتاه برای سروده. تفویف به معنای داشتن وزن و قافیه روان برای فهم آسان معانی و به دور از پیچیدگی برای سروده. جایگزینی واژگان عینی و ملموس به جای واژگان ذهنی و انتزاعی. وجود واژگان انتزاعی به صورت محدود در صورت داشتن واژگان انتزاعی. کوتاه کردن جملات. استفاده محدود از کلمات کهن و جایگزینی واژگان ساده با دشوار. پرهیز از به کارگیری زبان محاوره یا گفتاری. جایگزینی مرجع های</p>	<p>به کارگیری الزامات عناصر داستانی</p>	

۲۴ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ارائه الگوی بازنویسی داستان های مثنوی مولوی برای کودکان، (نویسنده اول: آقانوری)

<p>مشخص (اسم) به جای ضمائر موصولی و اشاره. حتی الامکان استفاده نکردن از جملاتی که موول به مصدر، صفت، قید و.. می‌شود. جایگزینی واژگان خاص به جای واژگان عام و کلی، مگر در موضوعی که موجب تقویت خلاقیت کودکان باشد. پرهیز از کلمات ناآشنای چهارجزی و بیشتر از آن. انتقال معنای لغات دشوار در صورت استفاده کردن از آنها با کمک پانویس، تصویر و بافت جملات.</p>		
<p>محتوا: حذف مفاهیم و اشارات پراکنده در راستای بیان محتوای اصلی. حذف مفاهیم بدآموزنده. اضافه کردن مقاصد اصلی از متن کهن. تغییر ندادن محتوای اصلی در بازنویسی ساده. تغییر دادن محتوای اصلی در بازنویسی خلاق.</p>		
<p>گفتگو: ساده کردن گفتگوها. گنجاندن گفتگوهای مسالمت‌آمیز و محترمانه، در صورتی که بین کودکان و بزرگسالان برقرار باشد. کوتاه کردن میزان گفتگوها. کم کردن تعداد گفتگوها.</p>		
<p>طرح: حتی الامکان نتیجه‌گیری نکردن صریح در پایان داستان. حذف داستان های فرعی و اشاره نکردن به آنها در روایت داستان اصلی.</p>		
<p>زمان و مکان: بیرون آوردن روند داستان از مکان و زمان ثابت و یکنواخت شکل دادن به داستان در یک مکان شناخته شده و فرهنگی و اجتماعی یا یک مکان ناشناخته با ویژگی های خیالی و اغراق‌آمیز.</p>		
<p>شخصیت: حذف برخی شخصیت‌های پراکنده با اثرگذاری اندک.</p>		
<p>زبان و بیان: استفاده از تمثیل. تلاش برای آهنگین بودن کلام از جمله با سجع متوازن. اولویت داشتن وزن سه رکنی بر چهار رکنی برای سروده. به کارگیری وزن مثنوی. استفاده محدود از اغراض ثانوی و در بافت مناسب. واج آرایبی مشروط به آنکه با ایجاد کلام آهنگین در فهم معنا مشکل ایجاد نشود. تتابع اضافات مشروط به آنکه با ایجاد کلام آهنگین در فهم معنا مشکل ایجاد نشود. تکرار کلمات مشروط به آنکه در فهم معنا مشکل ایجاد نشود و یا تاکید بر موضوع را القا کند. متنوع کردن لحن داستان با انواع جملات خبری و انشایی. استفاده از کلماتی که مصوت بیشتری دارند برای سهولت</p>	<p>به کارگیری استحضانات عناصر داستانی</p>	

<p>در خواندن یا بلند خواندن اثر. استفاده از حروف ربط بین دوجمله کوتاه. استفاده از تشبیه تمثیل، استعاره قریب. استعاره مکنیه تخیلی غیراضافی، وجه شبه حسی و تحقیقی، وجه شبه عقلی با ذکر وجه شبه، تشبیه محسوس به محسوس، تشبیه معقول به محسوس، تشبیه قریب و مقبول، چیستان، ایما، ایغال، حس آمیزی، کهن‌الگوها، ضرب‌المثل رایج و ساده، حشو ملیح.</p>		
<p>گفتگو: گنجاندن تک‌گویی‌های درونی از جنس تفسیرهای تخیلی کودکانه. گنجاندن شکل‌های مختلف گفتگو یا تغییر دادن آنها با هدف. معرفی درست و غلط و بایدها و نبایدها در میان گفتگوها. استفاده از کلمات پرسشی چرا و چگونه.</p>		
<p>طرح: جابه‌جا کردن حوادث متن اصلی. خالی گذاشتن پایان داستان برای پایان‌بندی و حدس و نتیجه‌گیری توسط مخاطب. اضافه کردن جریان‌های فرعی منطبق و متناسب با جریان کلی و اصلی داستان در بازنویسی خلاق. ایجاد وقفه و کشش در پیشبرد داستان برای سوالی کردن متن و تقویت تخیل کودکان.</p>		
<p>زمان و مکان: استفاده از عناصر زبانی، کلمات و جملات عاطفی و پرسشی برای فضا سازی.</p>		
<p>زاویه دید: استفاده از راوی اول شخص، دوم شخص و سوم شخص. ذکر نکاتی گذرا از توانایی‌ها و ویژگی‌های مثبت کودکان توسط راوی.</p>		
<p>شخصیت: برجسته‌تر و متمایزتر کردن و خلق ویژگی‌های اغراق‌آمیز در شخصیت‌ها. استفاده از شخصیت‌های هم‌سن و سال با کودکان به منظور هم‌ذات‌پنداری مخاطب با شخصیت‌ها.</p>		
<p>نگارش متن با پیاده‌سازی و لحاظ معیارهای قبلی</p>		

۲۶ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ارائه‌الگوی بازنویسی داستان های مثنوی مولوی برای کودکان، (نویسندهٔ اول: آقانوری)

<p>آوردن مقدمه در ابتدای کتاب دربارهٔ شیوهٔ ارائه کتاب به کودکان. تهیهٔ یک سی‌دی که با صدا محتوای کتاب را می‌خواند. تهیهٔ سی‌دی محتوی کارتون و انیمیشن داستان. داشتن مقدمه‌ای شامل معرفی اثر کهن، نویسندهٔ آن، روش کار، هدف و هرآنچه برای مخاطب لازم است. داشتن خلاصه‌ای کوتاه از اثر کهن. اشاره به مکان دقیق داستان اصلی در متن بازنویسی شده. آوردن نام نویسندهٔ متن اصلی در آغاز اثر بازنویسی شده. آوردن زندگی‌نامهٔ ادیب</p>	<p>تنظیم ساختار کتاب ملزم آنکه حجم کتاب زیاد نشود.</p>	<p>نشر اثر بازنویسی شده</p>
<p>انعکاس یافتن فضای عرفانی یا رمزآلود داستان یا بخشی از مقاصد اصلی اثر کهن با تصاویر و رنگ‌ها</p>	<p>تصویرآرای ی و طراحی</p>	

- **بازنویسی یکی از داستان‌های مثنوی مولوی مبتنی بر الگوی ارائه‌شده:**

دو دستهٔ قهوه‌ای

سلام بچه‌ها ... من علی هستم. علی آقای زبیل هم به من می‌گویند.

الآن یک هفته است که ۹ ساله شده‌ام. قبلاً به مدرسه‌ی نزدیک خانه‌ی من می‌رفتم. از وقتی کرونا آمده دیگر به مدرسه نرفته‌ام. خیلی دلم برای دوستانم تنگ شده است. آقا معلم ما خیلی مهربان بود. دو هفته پیش بود که مدرسه‌ها باز شد. من با پدر و مادرم صحبت کردم. قرار شد غیرحضوری درس‌هایم را بخوانم. از شنبه تا ۴شنبه یک معلم خصوصی به خانه‌ی ما می‌آید. کمی سنش بالا است. فکر می‌کنم شصت سالش است؛ با یک عینک ذره‌بینی و دو دسته‌ی قهوه‌ای. اسمش آقای اسماعیلی است.

آخرین هفته تابستان، روز شنبه یک اتفاق جالب در خانه‌ی ما افتاد. اگر گفتید چه اتفاقی؟؟ ساعت ۸ صبح آقای اسماعیلی به خانه‌ی ما آمد. اولین باری بود که او را می‌دیدم. با من احوال‌پرسی کرد و به اتاقم آمد. بعد فوری کتاب ریاضی را از کیفش در آورد و یک ساعت کامل به من درس داد. معلوم بود که خسته شده است. کمی استراحت کرد. بعد با دستش به دم‌طاقچه اشاره کرد و گفت: «علی آقا! پارچ آب گذاشته اید؟» گفتم: «بله.» گفت:

«پارچ آب را با لیوان کنارش بیاور.» ناگهان یاد برنامه‌ی کلاه قرمزی افتادم و شیرین‌کاریم گل کرد. گفتم: «کدام لیوان را بیاورم؟ گلدان یا بدون گل؟» آقا معلم گفت: «گلدان و بدون گل که ندارید. همان یکی که هست را بیاور.» تعجب کردم. گفتم: «نه آقا معلم! این‌ها دو تاست.» آقا معلم گفت: «پسرم یکی ست. اگر راست می‌گویی یکی از آنها را ببنداز زمین؛ آن وقت دوتا لیوان با هم می‌شکند و می‌فهمی که یک لیوان بوده است.» من دستم لرزید. شک کردم. نمی‌دانستم چه می‌شود. شاید من اشتباه می‌کردم اما دلم هم می‌خواست نظر خودم را به آقا معلم بگویم. کمی فکر کردم و لیوان را انداختم زمین ... فکر می‌کنید چه اتفاقی افتاد؟ ... کمی بعد... لیوان گلدان سر جایش بود و لیوان بدون گل شکسته بود. یعنی از آن اول، دوتا لیوان روی طاقچه بود. توی دلم قند آب شد. آقا معلم هم تعجب کرده بود. بعد، انگار چیزی یادش آمد و بلند بلند خندید. فهمیدم... آقا معلم فراموش کرده بود عینکش را بزند. خیلی خنده‌دار شده بود. من هم با آقا معلم بلند بلند خندیدم. از آن روز به بعد، فکر می‌کنم قوی‌تر شده‌ام. می‌دانم که گاهی نظرهای من با دیگران فرق می‌کند اما از گفتن آنها اصلاً نمی‌ترسم. راستی

۲۸ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ارائه الگوی بازنویسی داستان های مثنوی مولوی برای کودکان، (نویسنده اول: آقانوری)

فردای آن روز، آقا معلم یک کتاب به من هدیه داد و گفت: ماجرای دیروز ما شبیه یکی از داستان‌های این کتاب بود. بعد نشانی داستان را توی دفترچه‌ام نوشت تا خودم آن را بخوانم.

۴. نتیجه‌گیری

در این تحقیق با نظر به مباحث نظری علوم ادبی و علوم تربیتی و بیان روشن آنها و با نظر



به مثنوی به ما هو مثنوی الگویی روشمند برای بازنویسان ارائه شد. از بررسی منابع موجود در این حوزه دریافته شد که بسیاری از مطالب حوزه بازنویسی تکرار مطالب قبلی است؛ مثلاً این اصل که اثر بازنویسی شده باید پاسخگوی نیازهای مخاطبان باشد، به تعبیر مختلف و گویی هر بار به شکل محتوایی تازه مطرح شده است که آنها در روند تنظیم الگو حذف شده است. علاوه بر این گاه اصولی که برای بازنویسی مثنوی برای کودکان ذکر شده، مختص مثنوی نبوده و برای سایر متون کهن نیز می‌توان در نظر گرفت؛ مثلاً داشتن درک درست از

محتوا و اندیشه سراینده اثر را که مولوی است. می‌توان برای بازنویسی سایر متون کهن فارسی نیز در نظر گرفت.

در این الگو کوشش شد تا ویژگی‌هایی که به طور ویژه باید در بازنویسی مثنوی برای کودکان لحاظ شود بگنجد؛ مثل استفاده از راوی دوم شخص در زاویه دید ذیل مرحله به‌کارگیری امکانات عناصر داستانی. این موضوع بر این مبناست که مخاطب در شکل‌گیری مثنوی مولوی اثرگذار بوده و مخاطب‌محوری یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد مثنوی به شمار می‌رود. در این باره هرچند سایر نظرات نیز مردود دانسته نشد اما با توجه به رویکرد تعلیمی مثنوی، مخاطب قرار دادن با راوی دوم شخص در اثر بازنویسی شده می‌تواند به‌خوبی زبان حاکم بر مثنوی را بازتاب دهد و مبانی تربیتی مونته‌سوری یعنی اهمیت داشتن روابط اجتماعی و تعاملی با دیگران و اهمیت داشتن پذیرش اجتماعی میان همسالان نیز آن را تقویت می‌کند. علاوه بر این، استخراج مقاصد اصلی مولوی از سرایش مثنوی از منابع معتبر و علمی به دلیل وجود اختلاف نظرها در تفسیر مثنوی مولوی، فهم بافت و موقعیت داستان در کلام مولوی به دلیل موثر بودن آنها در کم و کیف دریافت و فهم معانی، استخراج تمثیل‌هایی که مولوی از آنها استفاده کرده به دلیل برجسته بودن و کثرت تمثیل در مثنوی، به‌کارگیری وزن مثنوی به دلیل روانی وزن آن برای کودکان و انتقال زبان حاکم در اثر کهن به اثر بازنویسی شده (در بازنویسی در شکل سروده)، حذف داستان‌های فرعی و اشاره نکردن به آنها در روایت داستان اصلی به دلیل وفور داستان‌های فرعی و داستان در داستان بودن روایات مثنوی، تکمیل شدن پایان داستان توسط خود کودک به سبب لزوم تعلیم دادن به کودکان به وسیله تخیل آنها از جمله مباحثی است که به طور ویژه در باب مثنوی مولوی به عنوان یکی از امهات نظم فارسی مطرح شده و از یافته‌های این پژوهش به شمار می‌رود. به طور کلی الگوی پیش‌رو این قابلیت را دارد که با تکیه بر ساختار اصلی آن برای بازنویسی سایر آثار کهن فارسی نیز به‌روزرسانی شود.

تشکر و قدردانی

۳۰ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ارائه‌الگوی بازنویسی داستان‌های مثنوی مولوی برای کودکان، (نویسنده اول: آقنوری)

با توجه به این‌که این مقاله مستخرج از پایان‌نامه بوده و تحت حمایت کرسی مولوی پژوهی وابسته به صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران (Iran National Science Foundation: INSF) است؛ در اینجا از این مؤسسه و حمایت‌های آن مراتب قدردانی و سپاسگزاری خویش را اعلام می‌نمایم.

کتاب‌نامه

- اخوت، فرزانه (۱۳۸۸). «نگاهی بر بازنویسی‌های مثنوی مولوی برای کودکان و نوجوانان». پژوهشنامه فرهنگ و ادب، شماره ۹، صص ۳۹۶-۴۱۷.
- انصاری، پریا. فرزاد، عبدالحسین (۱۳۹۷). ارائه شاخص‌های مطلوب بازنویسی و داستان‌گزینی آثار حماسی در ادبیات کودک و نوجوان (با تأکید بر شاهنامه فردوسی)، پژوهشنامه ادب حماسی، شماره ۲۶، صص ۱۳-۵۰.
- ایمن (آهی)، لیلی. خمارلو (میرهادی)، توران. دولت‌آبادی، مهدخت (۱۳۵۲). گذری در ادبیات کودکان. تهران: شورای کتاب کودک.
- باقری، خسرو (۱۳۷۸). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: مدرسه.
- پایور، جعفر (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر بازنویسی بازآفرینی در ادبیات کودک و نوجوان. تهران: گودرزی.
- پایور، جعفر (۱۳۸۰ الف). شیخ در بوته؛ روش‌های بازنویسی و بازآفرینی و ترجمه و پرداخت در آثار ادبی. تهران: اشراقیه.
- پایور، جعفر (۱۳۸۰ ب). «بررسی چند دهه بازنویسی از مثنوی». کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۴۳، صص ۱۶-۲۲.
- پورنامد اریان، تقی (۱۳۸۴). در سایه آفتاب. تهران: سخن.
- تاجی‌نژاد، سارا (۱۳۹۲). نقد و تحلیل بازنویسی‌های پس از انقلاب اسلامی از مثنوی مولوی برای کودکان و نوجوانان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، هرمزگان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- جعفرنژاد، آتش (۱۳۶۳). ۳۹ مقاله درباره ادبیات کودکان. تهران: شورای کتاب کودک.

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ارائه الگوی بازنویسی داستان‌های مثنوی مولوی برای کودکان، (نویسنده اول: آقائوری)

۳۱

- حجوانی، مهدی (۱۳۸۰). «فقدان روشمندی؛ تاملی بر روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان». *پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان*، شماره ۱۷، صص ۱۵۷-۱۷۰.
- حسینی کسنویه، شهلا (۱۳۹۷). *تحلیل دیدگاه‌های اندیشمندان معاصر در زمینه تربیت اوان کودکی به منظور ارائه الگو*. رساله دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، خوراسگان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- خانی، مریم (۱۳۹۴). *نقد و بررسی بازنویسی‌های خلاق داستان‌های مثنوی برای کودکان و نوجوانان (براساس ۲۰ اثر برگزیده)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، سمنان، دانشکده علوم انسانی.
- خسرونژاد، مرتضی (۱۳۷۸ الف). «معصومیت و تجربه در شعر کودک». *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره پانزدهم، شماره ۱، صص ۸۵-۱۱۲.
- خسرونژاد، مرتضی (۱۳۷۸ ب). «مفهوم کودکی و هدف ادبیات کودک». *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره بیست و دوم، شماره ۴، صص ۱۵۴-۱۶۸.
- رازانی، بهمن (۱۳۵۵). *پژوهشی اجمالی در زمینه ادبیات کودکان*، تهران: شرق.
- سهراب (مافی)، معصومه (۱۳۷۲). *۱۷ مقاله درباره ادبیات کودکان*. تهران: شورای کتاب کودک.
- شعاری نژاد، علی‌اکبر (۱۳۴۷). *اصول ادبیات کودکان*. تهران: سروش.
- سیدآبادی، علی‌اصغر (۱۳۸۰). «ادبیات کودکان متوسط؛ تاملی در مبحث مخاطب‌شناسی ادبیات کودک و نوجوان». *پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان*، شماره ۲۵، صص ۱۱-۲۰.
- فاضلی، مه‌بود. نصر اصفهانی، ریحانه (۱۳۹۷). «بررسی اصول و معیارهای بازنویسی برای کودکان و نوجوانان (مطالعه موردی: داستان‌های شاهنامه فردوسی)». *مجله ادبیات کودک و نوجوان*. دانشگاه شیراز.
- عزیزی علویجه، طوبی (۱۳۹۲). *بررسی شیوه‌های بازنویسی و ساده‌سازی متون کهن ادبی برای کودکان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، شهرکرد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۵). «نقش علوم تربیتی در ادبیات کودک». *کتاب ماه کودک و نوجوان*، شماره ۱۰۱ و ۱۰۳، صص ۱۱-۱۵.
- محمدی، محمدهادی (۱۳۷۸ الف). *روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان*، تهران، سروش.

۳۲ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ارائه‌الگوی بازنویسی داستان های مثنوی مولوی برای کودکان، (نویسنده اول: آقائوری)

محمدی، محمدهادی (۱۳۷۸ ب). «چهار محور سازنده متن ادبی کودکان»، پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۱۶، صص ۱۲-۱۷.

مرتضائی، پروین (۱۳۹۱). بررسی بازنویسی‌ها و بازآفرینی‌های مثنوی مولوی برای کودکان و نوجوانان، منتشرشده از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۷، رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی، شیراز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

مقدم، مریم (۱۳۹۳). «تحلیل محتوایی ۲۰ سال بازنویسی مثنوی برای کودکان و نوجوانان». فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲۸، صص ۸۹-۱۱۰.

مونتسوری، ماریا (۱۳۷۴). از کودکی تا نوجوانی، ترجمه سعید بهشتی، تهران: دانشگاه الزهرا. مونتسوری، ماریا (۱۳۸۶). کودک در خانواده، ترجمه سعید بهشتی، تهران: بین‌الملل.

نجفی بهزادی، سجاد (۱۳۹۲). بررسی اصول و شیوه‌های بازنویسی متون کهن ادبی برای نوجوانان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، شهرکرد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

نصر اصفهانی، ریحانه (۱۳۸۸). بررسی اصول و روش‌های بازنویسی در ادبیات کودک براساس ۲۰ داستان پرکاربرد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، تهران، دانشکده علوم انسانی دانشگاه الزهرا.

هاشمی‌نسب، صدیقه (۱۳۷۱). کودکان و ادبیات رسمی ایران، تهران: سروش.

Lauren L. Kolb. (2019). "Effects of social /emotional lessons in an elementary Montessori environment". In the Journal of Sophia. St. Catherine University.

Wsmontessori. (June 14, 2020): <http://wsmontessori.org/sites/default/files/pdf/files/needs-and-characteristics-of-the-elementary-child.pdf&ved>

References

- Ahi, Leili, Touran mirhadi and Mahdokht Dowlatabadi. (1984). *Passing in Children's Literature*. Tehran: children's book council. [In Persian]

- Ansari, Pariya and Abdolhosein Farzad. (2019). "Presenting ideal parameters for rewriting and story selection drawing from epic works especially Shahnameh in child and Young adult Literature". In the journal of *epic literature*. No. 26. Pp 13-50. [In Persian]
- Azizi Alavijeh, Touba. (2014). *Investigating the methods of rewriting and simplifying ancient literary texts for children*. Master Thesis in Persian Language and Literature. Shahrekord. Faculty of Literature and Humanities. [In Persian]
- Bagheri, Khosrow. (1998). *Revisiting the Islamic Education*. Tehran: Madreseh. [In Persian]
- Fazeli, Mahbood. Nasr Isfahani, Reyhaneh. (2018). "Study of rewriting principles and criteria for children and adolescents (Case study: Ferdowsi Shahnameh stories)". In the Journal of *Children and Adolescent Literature*. Shiraz university. [In Persian]
- Hajvani, Mahdi. (2001). "Lack of Methodology, A reflection on methodology of Children's Literature 's Criticism". In the journal of *Children 's and Adolescent Literature*. No. 17. Pp 157-170. [In Persian]
- Hasheminasab, Siddiqa (1992). *Children and Official Iranian Literature*. Tehran: Soroush. [In Persian]
- Hoseini Kasnavih, Shahla. (2018). *Analyzing the views of contemporary thinkers in the field of early childhood education to provide a model*. PhD Thesis in Philosophy of Education, Khorasgan. Faculty of Educational Sciences and Psychology. [In Persian]
- Jafarnejad, Atash. (1985). *39 articles about Children's Literature*. Tehran: children's book council. [In Persian]

۳۴ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ارائه‌الگوی بازنویسی داستان‌های مثنوی مولوی برای کودکان، (نویسنده اول: آقانوری)

- Karimi, Abdul Azim. (2007). "The role of educational sciences in children's literature". In the Journal of *Children and Adolescents Month Book*. No. 101 and 103. Pp. 11-15. [In Persian]
- Khani, Maryam. (2016). *Critique and review of creative rewrites of Mathnavi stories for children and adolescents (based on 20 selected works)*. Master Thesis in Persian Language and Literature. Semnan. Faculty of Humanities. [In Persian]
- Khosrownejad, Morteza. (1999). "The concept of childhood and the purpose of children's literature". In the Journal of *Social Sciences and Humanities*. Shiraz University. Vol 22. No. 4. Pp. 154-168. [In Persian]
- Khosrownejad, Morteza. (1999). "Innocence and experience in children's poetry". In the Journal of *Social Sciences and Humanities*. Shiraz University. Vol 15. No. 1. Pp. 85-112. [In Persian]
- Lauren L. Kolb. (2019). "Effects of social / emotional lessons in an elementary Montessori environment". In the Journal of *Sophia*. St. Catherine University.
- Moghadam, Maryam. (2015). "Content analysis of 20 years of rewriting Mathnavi for children and adolescents". In the *Quarterly Journal of Persian Language and Literature Research*. No. 28. Pp. 89-110. [In Persian]
- Mohammadi, Mohammad Hadi (1999). "Four Axis Constructors of Children's Literary Text", In the Journal of *Children and Adolescent Literature*. No. 16. Pp. 12-17. [In Persian]
- Mohammadi, Mohammad Hadi. (1999). *Methodology of Criticism of Children's Literature*. Tehran: Soroush. [In Persian]

- Montessori, Maria. (1996). *From childhood to adolescence*. translated by Sepideh Vistamehr, Tehran: Al-Zahra University. [In Persian]
- Montessori, Maria. (2008). *Child in the Family*. translated by Saeed Beheshti. Tehran: Beynolmelal. [In Persian]
- Mortezaei, Parvin. (2013). *A Study of Rewritings and Recreatings of Rumi's Mathnavi for Children and Adolescentse, published from 1978 to 2008*. PhD Thesis, Persian Language and Literature. Shiraz. Faculty of Literature and Humanities. [In Persian]
- Najafi Behzadi, Sajjad. (2013). *A Study of the Principles and Methods of Rewriting Ancient Literary Texts for Adolescents*. Master Thesis in Persian Language and Literature, Shahrekord, Faculty of Literature and Humanities. [In Persian]
- Nasr Isfahani, Reyhaneh (2009). *A Study of Principles and Methods of Rewriting in Children's Literature Based on 20 Most Used Stories*. Master Thesis in Persian Language and Literature. Tehran. Faculty of Humanities. Al-Zahra University. [In Persian]
- Okhovat, Farzaneh. (2009). "A glance at reproductions of Mathnavi-i Ma'navi for children and young adults". *Journal of culture and literature*. No. 9. Pp 396-417. [In Persian]
- Payvar, Jafar. (1991). *An Introduction to the Rewriting and adaptation in children's and adolescent literature*. Tehran: Goodarzi. [In Persian]
- Payvar, Jafar. (2001). "A study of a few decades rewriting in Mathnavi". In the journal of *Children and Adolescents Month Book*. No. 43. Pp 16-22. [In Persian]

۳۶ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ارائه‌الگوی بازنویسی داستان‌های مثنوی مولوی برای کودکان، (نویسندهٔ اول: آقانوری)

- Payvar, Jafar. (2001). *Sheykh in fruiting, Rewriting's and adaptation and translating and development methods in literary works*. Tehran: Eshraghieh. [In Persian]
- Pournamdarian, Taghi. (2005). *In the sun shadow*. Tehran: sokhan.
- Razani, Bahman. (1977). *A concise study about Children's Literature*. Tehran: Shargh. [In Persian]
- Seyedabadi, Ali Asghar. (2001). "Average children's literature, Reflections on the audience of children and adolescent literature". In the *Journal of Children and Adolescent Literature*. No. 25. Pp. 11-20. [In Persian]
- Shoarinejad, Ali Akbar. (1964). *Principles of children's literature*. Tehran: Soroush. [In Persian]
- Sohrab (Mafi), Masoumeh (1994). *17 articles on children's literature*. Tehran: Children's Book Council. [In Persian]
- Tajinejad, Sara (2013). *Critique and analysis of rewrites after the Islamic Revolution of Rumi's Mathnavi for children and adolescents*. Master Thesis in Persian Language and Literature, Hormozgan, Faculty of Literature and Humanities. [In Persian]
- Wsmontessori. (June 14, 2020) <http://wsmontessori.org/sites/default/files/pdffiles/needs-and-characteristics-of-the-elementary-child.pdf&ved>>